

## یادداشت سردبیر

به طور معمول هیچکدام از ما در باره خاکی که گامهایمان را نگه می دارد، خانه ها و شهرهایمان روی آن بنا شده و کشتزارهایمان را تغذیه می کند زیاد فکر نمی کنیم. بسیاری از ما آنرا چیزی ناخواسته می پنداریم که از لباس و کفش خود پاک می کنیم، آنرا دور از دید و دور از ذهن خود قرار می دهیم و گاهی آب دهان روی آن می اندازیم. حتی در برخی کتابهای علمی واژه خاک (soil) را معادل کثیفی (Dirt) به کار می بریم.

لیکن هنگامی که همین خاک را با بیل می شکافیم حیات را در آن حس می کنیم. مجموعه زیستی گسترده ای در آن فعالیت دارند که در یک چرخه، مواد مرده را دوباره به زندگی تبدیل می کنند. با مرطوب شدن یک خاک سالم رایحه معطری از آن بر می خیزد که مطلوب همه ماست زیرا بوی زندگی است.

اگر به گذشته برگردیم می بینیم که در دوره های مختلف، خاک در مرکز توجه فرهنگها بوده است. یکی از اجزای اصلی است که ارسطو همراه هوا، آتش و آب

از آن یاد می کند. نیاکان خود ما به اندازه ای برای خاک حرمت قایل بودند که حتی مردگان خود را در آن نیم گذاشتند. در ادیان آمده که خداوند بشر را از خاک آفریده است. تمدنهای زیادی را به وجود آورده و بر اثر استفاده نادرست آنها را به نابودی کشانده است.

ارتباط جوامع انسانی با زمینی که روی آن بسر می برند پیوسته از اهمیت برخوردار بوده است. تضادهای سیاسی و اجتماعی زمانی جوامع را تهدید کرده که بیش از گنجایش زمین از آن برای تامین غذای مردم استفاده شده، و از این روی حفاظت خاک را به فراموشی سپرده اند. هم اکنون نیز با تکرار اشتباهاتی که نابودی تمدنهای گذشته را سرعت بخشیده با خطر جدی روبرو هستیم. بنابراین تلاش کنیم در برابر ماده ای که وجودمان در آن ریشه دارد ناسپاسی و بی حرمتی نکنیم. نظر شما چیست؟